



آواهای دور دست

پسامدرنیسم، مطالعات فرهنگی و سیاست

دکتر محمدرضا تاجیک

از یک دهه پیش، شاهد بروز و ظهور نوعی «چرخش فرهنگی» هستیم. امروز بسیاری از رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی، تأکید بیشتری بر فرهنگ دارند. این چرخش عمومی به سمت فرهنگ، به اشاعه مطالعات فرهنگی به عنوان شکلی از دانش با تاریخ ها، روش‌ها و برنامه‌های خاص خود یاری رسانده‌اند اما کم‌کم، مطالعات فرهنگی نتوانسته خود را در قالب یک حوزه مطالعاتی دانشگاهی با پروژ، منطبق و هدف مشخص سامان دهد. کنداگر چه مطالعات فرهنگی به گونه‌ای غنشی به بحث درباره آثار معتبر، ارزش فرهنگی، چند فرهنگ گرایی، اندیشه در باب هویت و... نمی‌پردازد بلکه بیشتر تولید دانش از نظر گاه‌های فراموش شده و زیر دست فرهنگ عمومی و گوش سپردن به آواهای دور دست یا حاشیهای رانشانه رفته است اما هنوز در مقابله و مواجهه گفتگویی خود با نقدهایی که آن را در اشاعه ارزش‌های فرهنگی شکست خورده فرض می‌کنند، چندان موفق نبوده است. از این رو، در این نوشتار، به پیروی از سامیون دیورینگ، مطالعات فرهنگی را به عنوان «حوزه‌ای درون چندرشته‌ای بودن»^۱ پایه تمییز کلارک، حوزه‌های نارسه‌های مورد بحث قرار می‌دهیم و تلاش می‌کنیم مباحث خود در این عرصه فراخ را در چهار چوب نظر گاه‌های سیاسی پسامدرنیستی سامان دهیم.

هر آغازی به نام پسامدرنیسم شناخته می‌شود زیرا در همان آغاز، با «آغازها» مواجه می‌شویم (پسامدرنیسم ما را در آستانه خطوط مختلف آغازین قرار می‌دهد)، در همان آغاز، با «راه» ها و حرور و معای گوناگون و متکثر و مختلف مواجه می‌شویم (سرطانی وجود ندارد بلکه طریقت و شریعت واحد و نامی وجود ندارد و هر دو مومن ثابت قدم و ثابت سر می‌شود و ندارد) در همان آغاز، با بحران معنا، افق، دلالت‌ها نمایانگی و راه، سری مواجه می‌شویم (جهان ما جهان زبان ما می‌شود حتیایی بر از بازی‌های زبانی گوناگون، تنهایی سرشار از دال‌های ش. خاور و تهی، هم‌پای مملو از غیر قابل تصمیم‌ها حیایی فاقد مدلول استلایی، دنیایی باز فرجام) در همان آغاز با بحران منظر، قلمرو، حوزه، حقیقت، روایت، حکایت و قرابت مواجه می‌شویم در همان آغاز با بحران سوزنه و ایزه مواجه می‌شویم در همان آغاز بر سازه پاک‌کی و در محروس محوشوندگی قرار می‌گیریم؛ در همان آغاز با پارادوکس‌های مختلف نظیر پارادوکس «گفتن و نگفتن»، «حوشتن و نبودن»، «دیدن و نپدید شدن»، «حشودن و نش. حیدن» مواجه شد. نتیجه در همان آغاز، با معنی گوناگونی برای Post مواجه می‌شویم؛ معنای همچون «گسستن از»، «جداوم و جدت‌راره»، «تفکیک‌گرایی» و «تفرقه». در مقابل با، «تفصیلات از و تفصیلات با»، «تفرقه و اکتش به»، «جدد از»، «تفرقه» در همان آغاز با دلالت‌های گوناگونی از واژه مدرن Modern مواجه می‌شویم. دلالت‌هایی همچون: «تفرقه به دوره خاصی در تاریخ (توین می)»، «فروغ آن عصر (میل)»، «جومی اندیشه (بازی)»، «نوعی تجربه (منهایم)»، «هنرهای اجتماعی (تور)»، «نوعی رژیم سیاسی (پگی)»، «نوعی جهان بینی (میلز)»، «پدیدمندی فرهنگی (دور-تور)»، «تفکیک برای مع (چنگل)» از همان آغاز با اصطلاحات همنسب، بناواژه مدرن نظیر مدرنیته، فروش زندگی و وضع ست. دهی کسانی که دوره مدرن را تجربه کرده‌اند تجربه زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ریاضیاتی و فکری که متضمن غنای لغاری و اقتصادی و تفکیک جهان اجتماعی است. (دور، تومبیر، زمبیل) فرایندهایی که دولت صنعتی سرمایه‌داری مدرن را به وجود می‌آوردند (دور، تون)، «تفرقه» پسامدرنیسم (تفکیک و مساز گاری با فرایندهای تغییر مابذل مدرن به مدرن، «تفرقه» پسامدرنیسم (تفرقه) به خود این فرایندها، «تفرقه» تجربه یا رسم معاصر؛ تمایل به پیروی از روش‌های جدید خود روش‌ها و کارهای جدید، تفکیک جدید فرمالیستی در مفاد، اصطلاحات عمومی برای آن دسته از جنبش‌های فکری مخالف پاناتورالیسم، رئالیسم، پوزیتیویسم، ایمانیسم، سمبولیسم، لپرسونیسم و سوررئالیسم؛ جنبش‌های کلامی با هدف سازگاری با مطالعات فقه‌اندی جدید، مواجهه نتیجه از همان آغاز، با تعاریف گوناگونی پیرامون مفهوم «پسامدرنیسم» نظیر «خطوط فرهنگی سرمایه‌داری متاخر»^۲ آجیسون، «تفرقه» نیازهای توسعه‌گرای، اقتصاد سرمایه‌داری» (هاروی) «شکل جدیدی از جامعه که به وسیله سرمایه‌داری در واکنش به انتطاف ناپذیری دور دیم به وجود آمده» (جون، هال، ژاک)، «هی اقتصادی نسبت به فرار و استهلا (توتار) هر آنچه در آمریکای بعد از جنگ جهانی دوم رخ داده است (دزاینر)» محافظه کاری سنتی در بسته‌بندی پرزوق و برقع، نوعی زبان آوری جدید مواجهه...»

شکل، زمانی افزون تر خواهد شد که گم دوم را در برابر هم و قدم به قدم نه چندان معلوم و مشخصر مطالعات فرهنگی نگاریم. در این راهی... مطالعات فرهنگی را شنویان یا علائق و روش‌های مسیال و متغیر می‌بایم و با مسائل نمی‌توانیم به

